

کتاب مقدس برای کودکان  
تقدیم می کند

عیسی دریای  
طوفانی را آرام  
می کند



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

ترجمه شده توسط: آرمین باقری

ناشر: Bible for Children

[www.M1914.org](http://www.M1914.org)

©2021 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ  
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.





وقتی طوفان بزرگی  
رخ داد، عیسی و  
شاگردانش در یک  
قایق بودند. دریای  
جلیل طوفانی شد.  
این نوع طوفان  
می‌توانست باعث  
درهم شکستن  
کشتی و غرق شدن  
آن شود.



طوفان شاگردان را به وحشت انداخت. امواج بلند به قایق می‌خورد و آب را به درون قایق می‌ریخت. اما

عیسی در آن طوفان در قایق خواب بود.



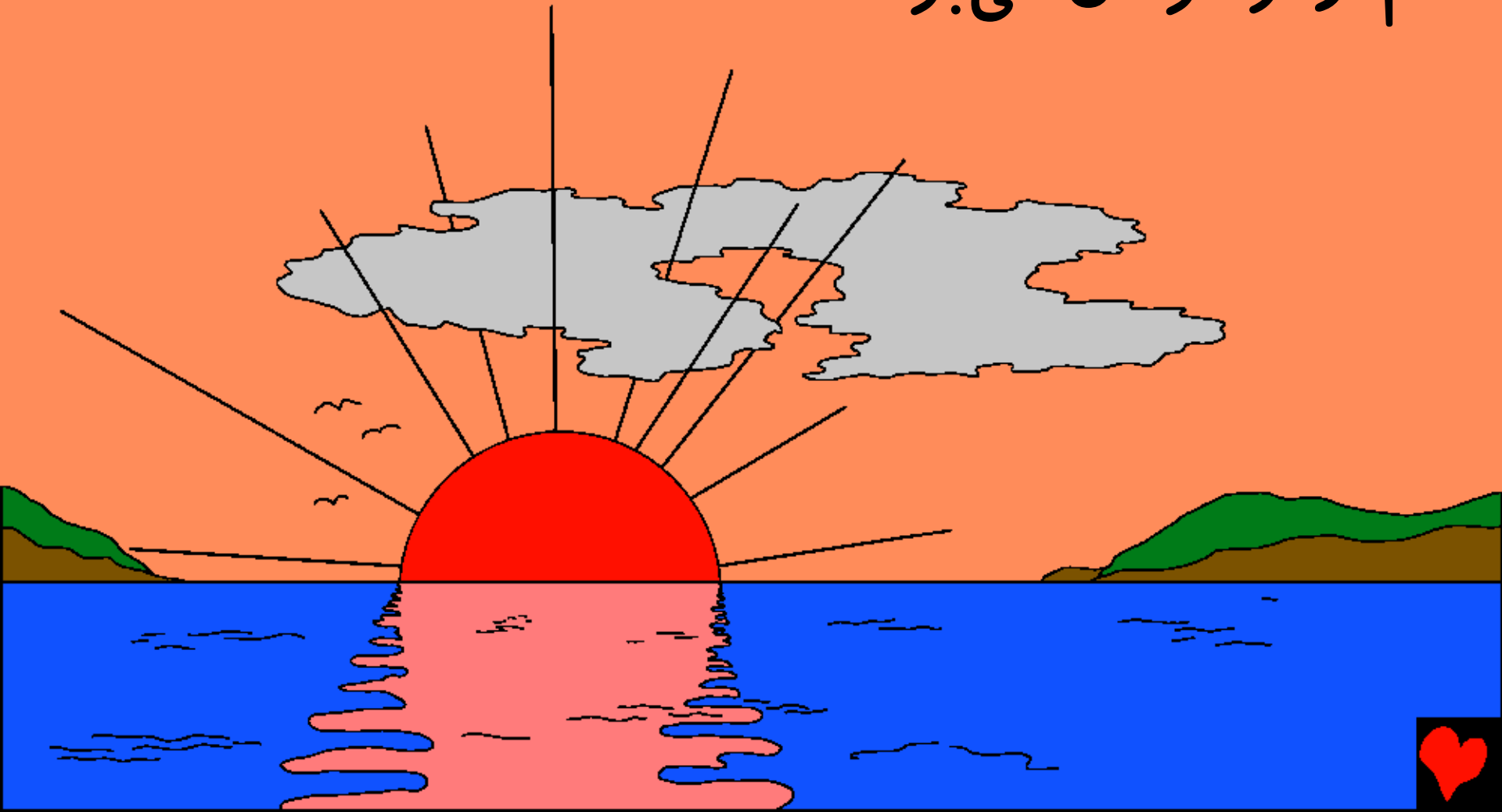
شاگردان عیسی را بیدار کردند و گریه کنان گفتند:  
"استاد، استاد، ما در حال مردن هستیم."



عیسی از شاگردان خود پرسید: "چرا می ترسید، ای کم ایمانان؟" سپس عیسی به باد دستور داد که وزیدن را متوقف کند، و سپس دستور داد که امواج آرام گیرند.



و باده‌ها و امواج آرام گرفتند. شاگردان شگفت زده شدند و گفتند: "او چه کسی است که حتی باد و دریا هم از او فرمان می‌برند؟"



مدتی بعد، عیسی یک روز شلوغ  
دیگر داشت. بیش از پنج هزار  
نفر به دنبال او می رفتند تا اینکه  
به یک مکان دور  
افتاده رسیدند.

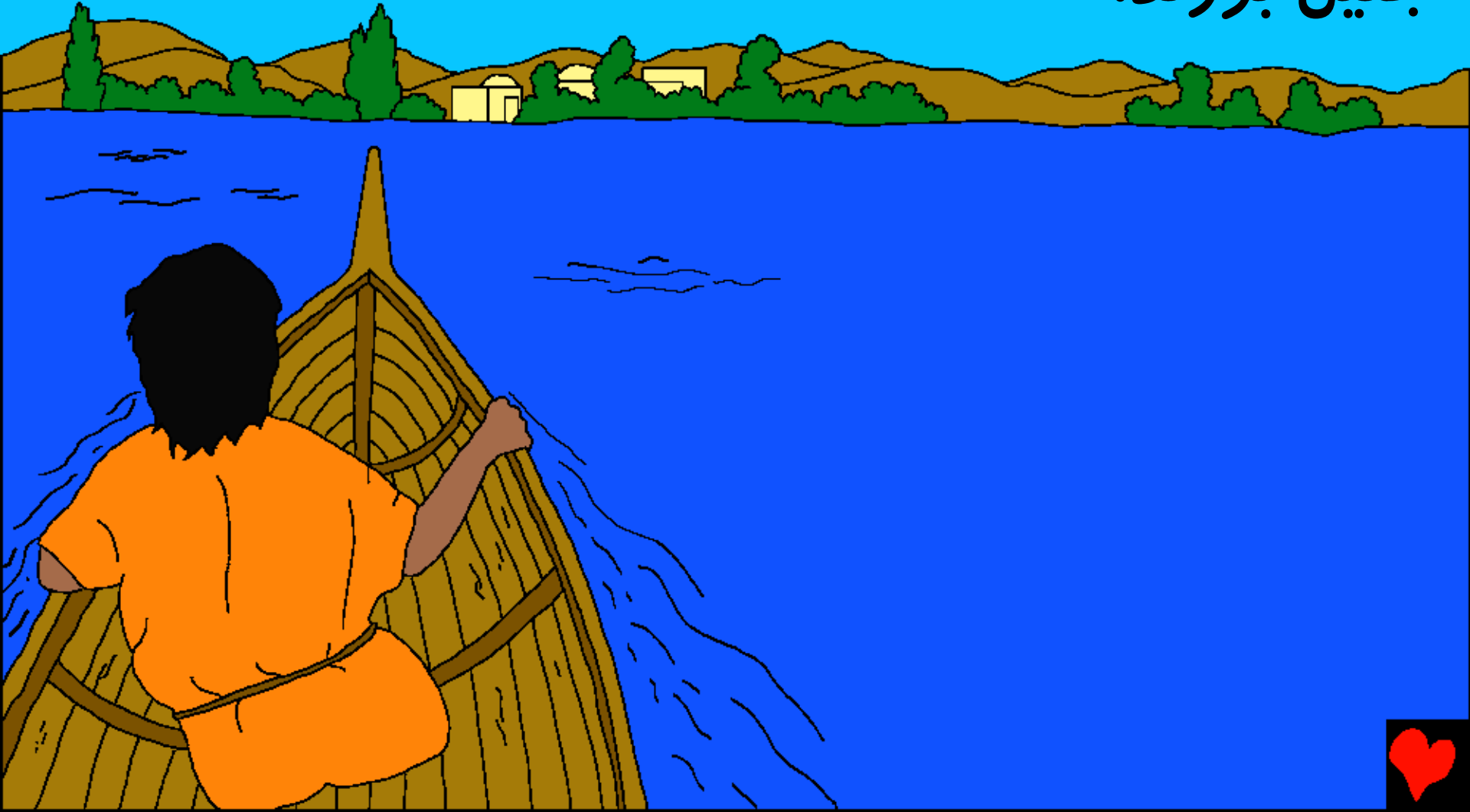


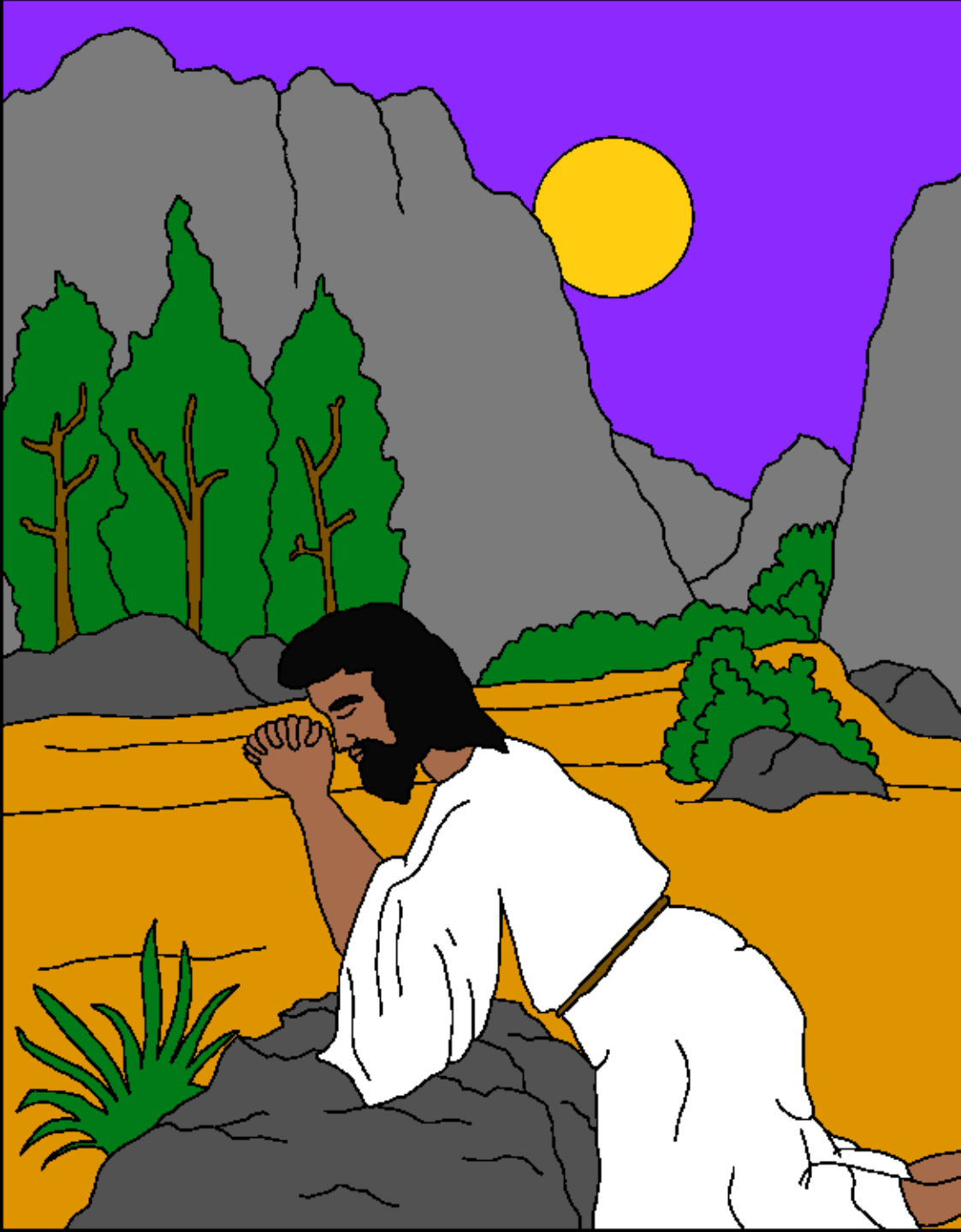


با قدرت خدا، عیسی با استفاده  
از ناهار یک پسر کوچک، تمام  
آن جمعیت را غذا داد. حالا  
عصر بود. عیسی همه  
را فرستاد تا به خانه  
هایشان بروند.



حتی شاگردان هم باید می رفتند. عیسی به آنها  
دستور داد تا سوار قایق شوند و به آن طرف دریای  
جلیل بروند.





وقتی همه رفتند،  
عیسی به بالای  
کوه رفت تا در  
آنجا دعا کند.  
زمانی که غروب  
فرا رسید او در  
آنجا تنها بود.



در میان دریاچه  
شاگردان گرفتار  
باد شدید شدند.  
طوفان و باد مخالف  
جهت مانع از  
حرکت  
قایق شده  
بود.



حتی اگر ساعت ها پارو  
می زدند نمی توانستند  
به جلو حرکت  
کنند. شاگردان  
نمی دانستند،  
ولی آنها  
قرار بود  
غافلگیر  
شوند.





بین ساعت ۳ و ۶ صبح  
آنها در میان دریا  
چیزی را دیدند که به  
سمت آنها می آید.  
آنها گریه کنان می  
گفتند: "آیا این یک  
شیخ است؟" اما او  
عیسی بود، همان  
خداوند و استاد آنها که  
روی دریا راه می رفت.



عیسی به آنان گفت:  
"خوشحال باشید. این  
من هستم، نترسید."  
پطرس جواب داد:



"ای سرورم، اگر واقعا  
شما هستید، دستور  
بدهید من هم روی آب  
راه بروم و پیش شما  
بیایم." عیسی فرمود:  
"بیا." پطرس با شجاعت  
از قایق پیاده شد و روی  
آب به سمت عیسی  
قدم برداشت.







اما زمانی که موج  
های بلند را دید  
ترسید و شروع  
کرد به فرو رفتن  
در آب. او گریه  
کنان می گفت:  
"سرورم نجاتم  
بده!"



بلافاصله عیسی دست خود را دراز کرد  
و او را از آب بیرون کشید. عیسی به او  
گفت: "ای کم ایمان چرا شک کردی؟"  
و زمانی که آن دو به درون قایق رفتند  
دریا آرام گرفت.



سپس کسانی که در آن  
قایق بودند، آمدند و  
عیسی را پرستش کردند  
و گفتند: "به راستی شما  
پسر خدا هستید."



عیسی دریای طوفانی را آرام می کند  
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

متی ۸، متی ۱۴، مرقس ۴، لوقا ۸

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



پایان



داستانهای کتاب مقدس با ما در بارهٔ خدایی  
صحبت می‌کنند که ما را آفرید و ارادهٔ او این  
است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی  
که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است، اما  
خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانهٔ خود را  
فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد.  
عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا  
رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که  
گناهان تو را ببامرزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو  
خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.



اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را  
بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به  
صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و  
اکنون زنده هستی. خواهش می‌کنم که وارد زندگی من  
بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته  
باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به  
عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای  
تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!  
انجیل یوحنا ۳: ۱۶

